

آئین حلّ و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نویسنده: پروفیسور آندرومگی Professor Andrew MacGee

ترجمہ و شرح: دکتر محسن محبی

اشاره

پروفسور آندره مگی وکیل دعاوی، استاد حقوق تجارت بین‌الملل و مدیر مرکز حقوق و رویه تجارت بین‌المللی در دانشگاه "لیدز" انگلستان و از صاحب‌نظران در مسائل حقوقی سازمان تجارت جهانی است. وی این مقاله را برای ارائه در سمینار جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی که به همت دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری در اسفندماه ۱۳۷۵ در تهران برگزار شد، تهیه کرده است. پروفسور مگی نتوانست شخصاً در این سمینار حضور یابد اما نظر به اهمیت موضوع، دبیرخانه سمینار از جناب آقای دکتر محسن محبتی دعوت کرد که ارائه مطلب را به عهده گیرند که ایشان هم علیرغم ضیق وقت این دعوت را اجابت نمودند. افزون بر این، آقای دکتر محبتی میزگرد پایانی سمینار را نیز اداره کردند که جا دارد از همکاری ایشان در هر دو زمینه سپاسگزاری شود. ترجمه مقاله پروفسور مگی را به قلم استوار و مقدمه مستوفی و حواشی ایشان ملاحظه می‌فرمایید.

سردبیر

مقدمه مترجم

همت بلند مسئولین محترم دانشکده علوم قضائی برای تشکیل سمیناری معتبر در مورد جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی ستودنی است. این سمینار در تاریخهای پنجم و ششم اسفند ۱۳۷۵ برگزار شد و سخنرانان آن همه از فحول علمای حقوق داخلی و خارجی و شخصیت‌های کشوری و دست‌اندرکاران تجارت بین‌المللی کشور بودند. پروفیسور آندره - مگی در شمار سخنرانان سمینار بود که قرار بود در مورد نظام حلّ و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی سخنانی ایراد کند اما به لحاظ مشکلاتی نتوانستند حضور یابند. در آن فرصت ضیق و دوسه روزه، شاید ساده‌ترین کار این بود که مقاله ایشان که به دبیرخانه سمینار واصل شده بود، ترجمه می‌شد و کسی آن را قرائت می‌کرد. اما دبیرخانه سمینار این روش را مناسب نمی‌دانست و اصرار داشت که ضمن استفاده و ارائه مقاله پروفیسور مگی که بجای خود عالمانه و مفید بود، کسی که عهده‌دار آن می‌شود خود نیز مبحث حلّ و فصل اختلافات را تمام و کمال در سمینار ارائه نماید و سئوالات و ابهامات را پاسخ گوید. قرعه انجام این مهم به عهده اینجانب افتاد و چاره‌ای جز اجابت دعوت همراه با حسن نظر و اعتماد دبیرخانه نبود. هرچند کار آن دعوت و ارجاع از ناحیه سروران چنان بالاگرفت که اداره میزگرد پایانی سمینار هم به عهده نگارنده نهاده شد.

حاشا لله که من از تیر بلا برگردم
گر بدانم که از آن دست و کمان می‌آید.

باری، ضمن ارائه و بحث مقاله پروفیسور مگی، مطالب اضافی و بیشتری نیز ضمن سخنرانی در حول مسئله حلّ اختلافات در سازمات تجارت جهانی عرضه شد که در واقع شرح و ایضاح بیشتر همان مقوله است که حسب مقال گفته آمده است. منتخبی از آن مطالب اضافی و شروح را بطور جداگانه گرد آوردم و اینک ملاحظه می‌فرمائید.

الف - اصول پایه گات

۱- "موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت" محصول کنفرانس برتن وودز است که علاوه بر این سند مهم، دو سند دیگر یعنی موافقتنامه تشکیل صندوق بین‌المللی پول موسوم به I.M.F. (International Monetary Fund) و نیز سازمان تجارت بین‌المللی موسوم به I.T.O (International Trade Organization) نیز در آن کنفرانس تصویب شد. البته سازمان تجارت بین‌المللی هیچگاه تشکیل نشد اما صندوق تأسیس گردید و همچنان فعال است. کنفرانس برتن وودز پس از جنگ جهانی دوم تشکیل گردید و هدف آن سر و سامان دادن به اقتصاد جهانی پس از جنگ بود. "موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت" موسوم به گات (General Agreement on Tariff and Trade) می‌باشد که به سال ۱۹۴۷ تنظیم گردیده و موضوع وهدف اصلی آن ایجاد تسهیلات و امتیازاتی است برای کاهش و حذف تعرفه‌های گوناگون تجاری بین کشورهای عضو به منظور تامین تجارت آزاد. در ابتدا موافقتنامه گات فقط ناظر به تجارت کالا بود اما در مذاکرات در دورا و روگوئه (۱۹۹۴) تجارت خدمات نیز به آن افزوده شد و کشورهای عضو متعهد شدند هم در زمینه کالا و هم خدمات تعرفه‌های گمرکی خود را کاهش دهند یا حذف کنند یا ترتیبات ترجیحی برقرار نمایند.

۲- موافقتنامه گات بر چهار اصل بنیانی مبتنی است:

الف - اصل کامل‌الوداد و عدم تبعیض

ب - کاهش تعرفه‌های گمرکی

ج - مسموع بودن محدودیت کمی کالا

د - حل اختلاف از طریق مشاوره و تبادل نظر

۳- هدف از اصل کامل‌الوداد که در ماده ۱ موافقتنامه گات آمده آن است که همه کشورهای عضو

در سطح مساوی قرار داشته باشند و تبعیضی از حیث تعرفه‌های تجارت کالا و خدمات بین آنها

وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر هر دو کشوری که در مورد کالا یا خدمت خاصی ترتیبات گمرکی

یا تعرفه خاصی با یکدیگر برقرار نمایند، نسبت به سایر کشورهای عضو گات نیز تسری می‌یابد و می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. با اینهمه موافقتنامه گات اجرای اصل کامله‌الوداد را در بعضی زمینه‌های خاص مستثنی کرده است مانند اتحادیه‌های گمرکی، مناطق آزاد تجاری، ترتیبات دو جانبه مرزی و بالاخره امتیازات خاصی که قبلاً بین دو کشور وجود داشته، مشروط بر اینکه پس از الحاق آنها به گات بیشتر نشود و در همان حد سابق باقی بماند. باری، اصل کامله‌الوداد بنیان اصلی و محور موافقتنامه گات است و حکمت آن تامین خصلت چند جانبه بودن گات و جلوگیری از دو جانبه شدن آن است. در کنار این اصل مهم، اصل عدم تبعیض نیز مطرح است که در واقع کامل کننده و ضمانت اجرای اصل کامله‌الوداد است. به موجب اصل عدم تبعیض کشورهای عضو مکلفند در مورد کالا یا موضوع خاصی که مشمول گات است در روابط خود با یکدیگر کمتر از استاندارد "رفتار ملی" خود یعنی کمتر از آنچه که در سطح داخلی و در موارد مشابه اجرا می‌کنند، عمل نکنند. اصل عدم تبعیض همواره مورد انتقاد کشورهای در حال توسعه بوده است زیرا ضابطه رفتار ملی در این کشورها مستقیماً و شدیداً وابسته به توان و محدودیت‌های اقتصاد ملی آنها است و تاب مقاومت در برابر رقابت‌های شدید بین‌المللی را ندارند. در واقع امتیازات و ترتیبات ترجیحی و اقدامات حفاظتی که در گات برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده، برای مراعات همین نکته است که این کشورها که حجم زیادی از تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند، به عضویت در گات رغبت و اعتماد پیدا کنند.

۴. اصل دوم یعنی کاهش تعرفه‌های گمرکی که در فصل اول و سوم موافقتنامه گات ۱۹۴۷ پیش‌بینی شده، در واقع موضوع و هدف اصلی گات است، کما اینکه اصل گات ابتدا یک موافقتنامه تعرفه‌ای بوده است که بعداً توسعه یافته و امور دیگری را نیز در بر گرفته است. ضمانت اجرای این اصل محوری و مهم، معامله به مثل است، معذک استثنائاتی برای آن وجود دارد که برای رعایت حال کشور پای کم توسعه یافته یا در حال توسعه می‌باشد.

۵. اصل سوم یعنی ممنوعیت محدودیت‌های کمی در ماده ۱۱ موافقتنامه گات ۱۹۴۷

پیش‌بینی شده و بدین معنی است که هرگونه سهمیه‌بندی، برقراری مجوز و پروانه صادرات و واردات بین کشورهای عضو گات در تجارت کالا و خدمت، ممنوع است مگر اینکه کشور مربوط مشمول استثنائات مقرر در ماده ۱۳ و ۱۴ موافقتنامه گات باشد، مانند مسئله تراز پرداخت که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند.

۶- و بالاخره چهارمین اصل بنیانی گات عبارت است از حلّ و فصل اختلافات از طریق مشاوره و تبادل نظر، بجای رسیدگی‌های ترافیعی و قضائی. این اصل نیز به تبعیت از ویژگی و هدف اصلی گات یعنی چند جانبه بودن آن وضع شده و در مواد ۲۲ و ۲۳ موافقتنامه گات آمده است. هدف اصلی از گات، ترتیبات چند جانبه بین همه کشورهای عضو در جهت کاهش تعرفه‌ها است تا امر تجارت آزاد بین‌المللی تسهیل و تشویق گردد. تامین و تضمین دسترسی به این هدف اصلی مستلزم حفظ واستمرار ویژگی بنیانی گات یعنی چندجانبه بودن آن است که همانطور که گفتیم از طریق اصل کامله‌الوداد و عدم تبعیض تامین می‌شود. موضوع اختلافات بین اعضای گات معمولاً تخلف از ترتیبات ترجیحی یا کاهش تعرفه‌ها است، که چون همه کشورهای عضو از آن متضرر می‌شوند، بنابراین حلّ و فصل آن نیز محتاج مشارکت و اظهار نظر همه آنها است. به عبارت دیگر برخلاف دعاوی و اختلافات بین‌المللی در مفهوم سنتی که معمولاً دو طرف دارد (متداعیین)، در حلّ اختلافات موضوع گات همه کشورها ذینفع می‌باشند و بهمین لحاظ حلّ اختلاف بین دو کشور عضو محتاج اظهار نظر همه اعضا است که به صورت مشورت (Consultation) و تبادل نظر صورت می‌گیرد. نتیجه این مشورت‌ها به صورت گزارش هیئت رسیدگی کننده (panel) که حاوی توصیه‌هایی نیز هست، صادر می‌شود و برای تصویب به شورای عمومی گات ارجاع می‌گردد.

ب - روش حلّ اختلاف در گات

۷- تفاهم‌نامه جدید در مورد حلّ و فصل اختلافات که در مذاکرات سال (۱۹۹۴) در دوراروگوئه به امضا رسید نظام حلّ و فصل اختلافات کشورهای عضو گات را شفاف‌تر و مطمئن‌تر نموده است. نظام جدید حلّ و فصل اختلاف در گات مشتمل بر چهار مرحله است که اجمال آن چنین است :

در مرحله اول، در صورت بروز اختلاف بین اعضای گات، کشور مربوط درخواست مشورت می‌کند و سایر کشورهای عضو باید ظرف ۱۰ روز وارد شور شوند و با حسن نیت ظرف ۳۰ روز درخصوص موضوع اظهار نظر نمایند. اگر از مشورت جویی از اعضا نتیجه‌ای حاصل نشود یا عضو متخلف (کشور خاطی) جوابی ندهد یا در روند مشورت‌ها مشارکت نکند، در مرحله دوم کشور متقاضی (شاکی) می‌تواند درخواست کند که هیئت رسیدگی (Panel) تشکیل شود. این درخواست علی‌الاصول پذیرفته می‌شود مگر شورای عمومی گات به اتفاق آراء (اجماع) آن را لازم نداند بنابراین حتی اگر همه کشورها به جز یک کشور مخالف تشکیل هیئت باشند، موافقت یک کشور کافی است تا هیئت تشکیل شود. هیئت‌های رسیدگی سه عضو دارند که متخصص در موضوع اختلاف (کالای مربوط) می‌باشند اما هیچیک از آنها به صورت نماینده طرفین (مثلاً داور منصوب) عمل نمی‌کنند و استقلال عمل دارند. هیئت رسیدگی پس از بررسی موضوع، بویژه بررسی واقعیات (Fact) گزارشی تهیه می‌کند و به رکن حل اختلاف تسلیم می‌نماید. در مرحله سوم، چنانچه گزارش هیئت مورد اعتراض باشد، می‌توان از آن استیناف خواست که به رکن استیناف (Appellate Body) ارجاع می‌شود. رکن استیناف متشکل از ۷ نفر است که در مسائل تجارت بین‌الملل صاحب‌نظر می‌باشند و سه نفر از آنها با قید قرعه انتخاب می‌شوند. رکن استیناف اغلب به جنبه‌های حقوقی موضوع می‌پردازد و باید ظرف ۹۰ روز نظر خود را بدهد تا در رکن حل اختلاف (شورای عمومی گات) مطرح شود. رعایت و اجرای تصمیم رکن استیناف زمان‌بندی پیچیده‌ای دارد و رکن حل اختلاف (شورای عمومی گات) بر آن نظارت می‌کند. هرگاه کشور خاطی تصمیم مذکور را اجرا نکند، رکن حل اختلاف یعنی شورای عمومی می‌تواند ضمانت اجرایی را به صورت مجازات علیه او وضع و اعمال کند که عبارت است از محرومیت بعضی از تریبات داخل گات، تعلیق امتیازات تعرفه‌ای یا سایر تعهدات عضو زیان دیده یا اجازه اقدامات تلافی‌آمیز (Retaliation) علیه کشور خاطی که این روند در واقع مرحله چهارم نظام حل و فصل اختلاف در گات بشمار می‌رود. البته تصمیم‌گیری در شورای عمومی محتاج اتفاق آراء است که خود در جهت تامین چندجانبه ماندن گات می‌باشد.

ترتیبات فوق خلاصه نظام حل اختلاف در گات است. البته اگر طرفین اختلاف توافق نمایند می‌توانند به سایر طرق حل اختلاف مانند داوری نیز رجوع کنند که خود مقوله دیگری است منتهی تصمیم داوری در هر حال لازم‌الاجرا است.

ج - ویژگیهای نظام جدید حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی

۸- تا قبل از تفاهم‌نامه حل و فصل در اختلاف در دورا و روگونه، نظام حل اختلافات گات از حیث تصمیم‌گیری بویژه لازم‌الاجرا بودن آن و حتی ضمانت اجرا نقطه ضعف‌هایی داشت اما اینک با امضای تفاهم‌نامه مذکور علاوه بر روشن‌تر شدن روش کار، نتیجه رسیدگی‌ها نیز قابل پیش‌بینی است و همین شفافیت و ضمانت اجرای‌های موثر برای تحقق تصمیمات رکن حل اختلاف، رغبت بیشتری برای الحاق به گات ایجاد می‌کند. با اینهمه همانطور که از توضیحات فوق بر می‌آید، نظام جدید حل اختلاف در گات "شبه قضایی" است و به کلی از روش‌های قضایی یا ترافعی و سنتی حل اختلافات بین‌المللی جدا است، زیرا با مسائل حقوقی و پیچ و خم‌های تکنیکی آئین دادرسی چندان درگیر نیست بلکه سعی می‌شود همسو با مقتضیات تجارت بین‌الملل (سرعت و دقت) حتی‌الامکان به صورت مرضی‌الطرفین و به فوریت و سرعت اختلافات حل شود.

۹- ویژگی دیگر این نظام جدید، تشکیل رکن حل اختلاف است که همان شورای عمومی سازمان تجارت جهانی است. در واقع این شورا دو چهره و دو کارکرد (فونکسیون) دارد: یکی همانکه در موافقتنامه تشکیل سازمان آمده یعنی بعنوان رکن سیاستگذاری عمل می‌کند، و دوم مرجعی که بر روند حل اختلاف نظارت و مشارکت دارد. وظیفه شورا به عنوان "رکن حل اختلاف" را می‌توان اینگونه خلاصه کرد:

- تشکیل هیئت‌های رسیدگی برای بررسی اختلاف و تهیه گزارش همراه با توصیه برای حل آن.
- تشکیل رکن استیناف برای بررسی گزارش هیئت رسیدگی.
- نظارت بر اجرای درست تصمیم رکن استیناف، یا گزارش هیئت رسیدگی در صورتیکه نسبت به آن استیناف خواهی نشده باشد.

● اجازه تعلیق تعهدات کشورها علیه کشور خاطی یا تعلیق امتیازاتی که به نفع کشور خاطی برقرار شده، و نیز اجازه اقدامات تلافی جویانه علیه کشور خاطی که مهمترین ضمانت اجرای گات می باشد. ۱۰- از جمله ویژگیهای دیگر نظام جدید حل اختلاف آن است که مقررات تفاهم نامه حل و فصل اختلاف نسبت به همه موافقتنامه های اصلی گات اعمال می شود. گسترش قلمرو صلاحیت رکن حل اختلاف به هر موضوع و اختلافی که ناشی از هر کدام از چهار موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و یا ناشی از موافقتنامه جنبه های تجاری مالکیت معنوی باشد طبعاً اطمینان خاطر بیشتری برای کشورهای عضو ایجاد می کند و مهم تر، از تعارض حقوق داخلی کشورهای عضو با مقررات موافقتنامه های مختلف گات جلوگیری می کند. علاوه بر این، تمرکز در نظام حل اختلاف هماهنگی و وحدت رویه بیشتری را ایجاد می کند و از پراکندگی و تشتت در تصمیمات اجتناب می شود و از این رهگذر تمامیت و انسجام گات به خوبی تامین می شود.

۱۱- با توجه به توضیحات فوق، تحولات جدیدی که در نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی رخ داده ویژگیهای این نظام را می توان به صورت زیر خلاصه نمود:

الف: تشکیل رکن حل اختلاف (شورای عمومی سازمان) سیستم متحدالشکلی را برای حل اختلافات ایجاد می کند و از بی ثباتی و بلا تکلیفی جلوگیری می نماید.

ب: رکن جدید استیناف تضمین بیشتری برای صحت و سلامت تصمیم گیری ها فراهم می کند.

ج: اجرای تصمیمات هیئت های رسیدگی و حل اختلاف و نیز تصمیمات رکن استیناف و ضمانت اجراهای آن تحت نظر شورای عمومی است که چون تصمیم گیری های شورای عمومی محتاج اتفاق آراء است، خصلت چند جانبه بودن گات بهتر تضمین می شود و بدینسان از تفرق آراء و سیاسی کردن قضایا از طریق دو جانبه کردن روند حل اختلاف، اجتناب خواهد شد.

د: از حیث ضمانت اجراها نیز نظام جدید حل اختلاف وضعیت شفاف تر و مطمئن تری ایجاد کرده است. بطور کلی طیف ضمانت اجرای تخلف از گات عبارت است از:

● اقدام تخلف آمیز کشور خاطی به صورت اولیه و منطبق با مفاد گات در آید (اعاده به وضع اولیه).

● اگر کشور خاطی رفتار تخلف‌آمیز خود را اصلاح و اعاده نکند، باید بنحو مناسبی آن را ترمیم و جبران کند.

● در صورتی که درباره اعاده به حالت اول یا نحوه ترمیم و اصلاح اقدام تخلف‌آمیز توافق نشود، کشور شاکی می‌تواند از شورای عمومی سازمان تجارت جهانی (رکن حل اختلاف) درخواست مجوز تلافی نماید که اعطای آن موکول به اتفاق آراء در شورا است.

هـ: از حیث سیستم تصمیم‌گیری در موضوع اختلاف نیز نظام جدید مطمئن‌تر است زیرا اصل بر اجماع و اتفاق آراء است و سیستم اکثریت و اقلیت ندارد. اتفاق آراء هنگامی حاصل می‌شود که هیچیک از اعضای حاضر در اجلاس مخالفت نکند. فایده عمده و مهم این سیستم، چنانکه اشاره شد، عبارت است از تضمین ویژگی بنیانی چندجانبه بودن گات که سلامت و صحت کارکرد آن در راستای اهداف اصلی (آزادی تجارت) را تامین می‌کند و نمی‌تواند از یک کشور به بهانه رای موافق یا مخالف در شورای عمومی سازمان، مقاصد و منافع سیاسی خود را نسبت به کشور شاکی یا خاطی دخالت دهند و بدینسان از سیاسی کردن قضا یا در درون گات جلوگیری می‌شود.

د: نظام حل و فصل اختلاف در گات و ایران

۱۲- زمینه‌ها، امکانات یا موانع حقوقی الحاق ایران به گات مقوله مهمی است که جای تفصیل آن، اینجا نیست. اما تا آنجا که به مسئله حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی مربوط می‌شود، بر سبیل اشارت می‌گوئیم که پذیرفتن نظام حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی مانع حقوقی ندارد، مگر در مواردی که ارجاع امر به داوری مطرح شود که به علت تمرکز تجارت خارجی کشور در دست دولت، رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی ضروری خواهد بود. علاوه بر این، تمکین از تصمیمات رکن حل اختلاف تا جائیکه به مقررات و قوانین مربوط به صادرات و واردات و تعرفه‌ها مربوط می‌شود، نیز محتاج بررسی و هماهنگی است. هرچند می‌توان استدلال کرد که از نظر حقوقی با الحاق ایران به گات و عضویت در سازمان تجارت جهانی براساس یک عهدنامه بین‌المللی به علت تفوق تعهدات بین‌المللی بر حقوق داخلی (البته به استثنای قوانین اساسی و بنیادی)، حاکمیت

قانون داخلی مانند مقررات صادرات و واردات محدود می‌شود و حواه ناخواه تصمیمات رکن اختلاف بعنوان تصمیم یک مرجع بین‌المللی که دولت سند مؤسس آن را پذیرفته، اولویت خواهد داشت و نمی‌توان به عذر مقررات داخلی از اجرای آن سرباز زد، مگر اینکه در موضوع خاصی که محل اختلاف است هنگام الحاق از "حق رزرو" یا "شروط فرار" و سایر امکاناتی که برای تحدید تعهد در گات وجود دارد، استفاده شده باشد که خود مقوله دیگری است و تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد. حتی اگر گفته شود حقوق ایران اولویت حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی را نپذیرفته است، چون طبق ماده ۹ قانون مدنی مقررات و مفاد عهود بین‌المللی (منجمله گات) که دولت آنها را پذیرفته، در عرض قانون داخلی لازم‌الرعایه است بنابراین با الحاق ایران به گات و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی مفاد و مقررات تفاهم‌نامه حل و فصل اختلافات نیز در حکم قانون و لازم‌الاجرا خواهد بود.

پس از ذکر این مقدمات و تمهیدات اینک مقاله پروفیسور مگی درباره نظام حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی را ملاحظه می‌فرمایید.

حلّ و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

۱- مفهوم حلّ و فصل اختلافات بین‌المللی

حلّ و فصل سیاسی (دیپلماتیک) در مقابل حلّ و فصل حقوقی است. نخستین تفکیکی که در هرگونه سیستم ناظر به حلّ و فصل اختلافات بین‌المللی باید انجام شود، تفکیک بین قلمروها و مقولاتی است که مکانیسم‌های سیاسی حلّ و فصل را در مقابل مکانیسم‌های حقوقی قرار می‌دهند. بنابراین خوب است ابتدا طیف مکانیسم‌های حلّ و فصل سیاسی را بررسی کنیم و ببینیم مشتمل بر چه روشهایی است.^(۱)

مذاکره (Negotiation)

وجه فارق روش مذاکره با روش‌های دیگر آن است که در مذاکره شخص ثالثی وجود ندارد که در مورد حلّ اختلاف راه‌کاری را به طرفین تحمیل یا حتی پیشنهاد کند، بلکه چنانکه از نام آن برمی‌آید، خود طرفین اختلاف مستقیم یا غیرمستقیم با یکدیگر گفتگو می‌نمایند. مذاکره معمولاً مستلزم این معنی است که طرفین با حسن نیت گفتگو کنند، بنحوی که چشم‌اندازی از موفقیت در

۱- مکانیسم‌های حلّ اختلاف بین‌المللی به صورت مسالمت‌آمیز در فصل ششم منشور ملل متحد آمده که ماده ۴۴ آن می‌گوید:

"طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هر چیز حلّ آن را از مجرای مذاکره، تحقیقات، میانجی‌گری، آشتی (سازش)، داوری، حلّ و فصل قضائی، مراجعه به موسسات یا ترتیبات محلی (منطقه‌ای) یا به طرق مسالمت‌آمیز دیگر به انتخاب خود، جستجو نمایند." - م. (تمامی پاورقی‌ها از مترجم است).

حل اختلاف و حصول نتیجه وجود داشته باشد. البته هیچ‌گونه تعریف حقوقی از اصطلاح مذاکره وجود ندارد و همین امر می‌تواند مشکلاتی را بیار آورد، بویژه در مواردی که در قرارداد بین‌المللی مربوط شرط شده باشد که دادگاه فقط هنگامی صلاحیت رسیدگی به اختلافات را دارد که موضوع از طریق "مذاکره" حل و فصل نشده باشد.^(۲)

مساعی جمیله (Good Office)

محدودترین شکل مداخله شخص ثالث برای حل و فصل اختلاف، روش مساعی جمیله است. مساعی جمیله یعنی شخص ثالثی (در بحث ما یک دولت ثالث) طرفین را به مذاکره یا از سرگرفتن مذاکره قبلی تشویق و ترغیب نماید و یا طریق تماس و مراوده دیگری در اختیار ایشان قرار دهد. دولت ثالث ممکن است به ابتکار خود یا به درخواست یکی یا هر دو طرف اختلاف، دست به مساعی جمیله بزند.^(۳)

میانجی‌گری (Mediation)

میانجی‌گری یک قدم فراتر از مساعی جمیله است و به معنای مشارکت و مداخله فعال میانجی (شخص ثالث) است در انتقال و توضیح پیشنهادات هر کدام از طرفین به طرف دیگر. برای حل اختلاف معمولاً میانجی براساس آنچه طرفین به او می‌گویند پیشنهاد حل و فصل غیر رسمی هم می‌دهد. میانجی‌گری محتاج موافقت جدی هر دو طرف است. پیشنهادات میانجی برای حل و فصل

۲- معیار مذاکره و اینکه چه موقع می‌توان گفت مذاکره به نتیجه نرسیده، مشخص نیست مثلاً در ماده ۲۱ عهدنامه مودت ایران و ایالات متحده (مجموعه قوانین دادگستری سال ۱۳۳۴) آمده است که حل و فصل اختلافات ناشی از عهدنامه مذکور در صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری (لاهی) است اما دیوان در صورتی صلاحیت دارد که موضوع از طریق دیپلماسی بطور رضایت‌بخش حل شده باشد. بنابراین مذاکره از "طرق دیپلماسی" و عدم توفیق آن در حل اختلاف، پیش شرط مراجعه به دیوان است. لکن تشخیص اینکه این شرط مذاکره چه موقع بر آمده و انجام شده، موکول به عواملی است که هم به خود مذاکره و معنای آن بر می‌گردد و هم به عوامل بیرونی (امکان‌پذیری). - م.

۳- مفهوم مساعی جمیله با میانجی‌گری نزدیک است و نباید این دو را اشتباه کرد. البته هر دو متضمن مداخله شخص ثالث می‌باشد منتهی در میانجی‌گری شخص ثالث مداخله بیشتری می‌کند. پروفیسور مگی ذیل توضیح بیشتری داده است. - م.

اختلاف نسبت به طرفین الزام‌آور نیست، مگر اینکه آن را بپذیرند. هدف از چنین پیشنهادهای نیز یافتن راه حل مؤثری برای رفع منازعه است و بهمین جهت لازم نیست دقیقاً با حقوق قانونی متنازعین منطبق و همسو باشد، هرچند مسلماً همین حقوق قانونی است که معمولاً زمینه و محور اصلی حل و فصل قضیه را تعیین می‌کند.

تحقیقات و واقعیت‌یابی (Enquiry and Fact-finding)

یکی از جنبه‌های منازعات بین‌المللی معمولاً اختلاف نظر طرفین در مورد واقعیات و حقایق مربوط به موضوع اختلاف است. از جمله طرق ممکن برای حل این مسئله آن است که از شخص ثالثی خواسته شود نسبت به موضوع تحقیق و بررسی نماید و روایت بیطرفانه‌ای فقط از واقعیات امر به طرفین ارائه کند. منتهی طرفین باید از قبل توافق و معلوم کنند که آیا گزارش واقعیات را الزام‌آور و لازم‌الاتباع می‌شمرند یا نه.

سازش (Conciliation)

سازش، یک گام قبل از مرحله داوری رسمی است. سازش نسبت به میانجی‌گری، رسمی‌تر است زیرا مشتمل بر یک روند رسمی است که در آن سازش‌دهندگان، موضوع منازعه را مورد تحقیق و بازرسی قرار می‌دهند و سپس برای حل موضوع پیشنهادهای رسمی به طرفین ارائه می‌کنند. تحقیق و بازرسی برای سازش هم متضمن واقعیات امر و مبانی حقوقی آن است و هم جنبه‌ها و ابعاد غیرحقوقی موضوع.

روند سازش معمولاً به صورت محرمانه انجام می‌شود، زیرا برای دولت‌ها دادن امتیاز در جریان سازش آسان‌تر است، به شرط اینکه علنی و فاش نشود. اگر پیشنهادهای سازش‌دهندگان مقبول واقع شود، معمولاً به صورت مکتوب در می‌آید که سند ثبت و ضبط توافقی‌ها است. اما در عمل سازش به معنایی که گفتیم کمتر پیش می‌آید، شاید به این علت که هرگاه اتخاذ طرق غیررسمی‌تر (مساعی

جمیله، میانجیگری، ...) برای حل اختلاف، توفیقی به بار نیاورده باشد بعید است طریقه سازش راه به جایی ببرد.

داوری (Arbitration)

اکنون به بررسی روش‌های حقوقی - و نه دیپلماتیک - حل و فصل می‌پردازیم، یعنی اسلوب داوری و رسیدگی قضایی.

داوری این امتیاز را دارد که به متنازعیان امکان می‌دهد داوران مطلوب خود را برگزینند و بدینسان به تخصص‌های لازم در حوزه موضوع نزاع دست یابند. افزون بر این، داوری در مقایسه با سایر روش‌های رسیدگی حقوقی (قضائی) سریع‌تر است و می‌تواند محرمانه بودن قضیه را نیز تا حدودی تأمین نماید.

رسیدگی قضائی (Judicial Decision)

دومین روش حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی رسیدگی قضائی در دادگاه است که بدون شک رسمی‌ترین طریقه است. البته حل و فصل قضائی منازعات معمولاً کند، گران، غیرمطمئن و علنی است. معذک، از نظر تاریخی رسیدگی قضائی طریقه‌ای است که همه سیستم‌های حقوقی حداقل برای حل و فصل اختلافات مربوط به حقوق خصوصی، آن را پذیرفته‌اند. (۴)

۲- تاریخچه گات

سابقه گات به موافقتنامه ۱۹۴۷ در مورد آزادی تجارت و کاهش تعرفه‌ها برمی‌گردد. در چارچوب

۴- در مقایسه داوری و حل و فصل قضایی بین‌المللی باید گفت علیرغم آنچه ظاهراً و در نگاه اول ممکن است بنظر رسد، روش حل و فصل قضائی مؤخر و پس از داوری پدید آمده است. در جوامع نخستینی که هنوز دولت وجود نداشت، اختلافات با کدخداهایی یعنی آنچه امروزه داوری می‌گوئیم حل می‌شده است. بعداً بویژه پس از پیدایش "دولت - شهر" در یونان باستان همین سیستم داوری و کدخداهایی، در ساختار دولت جانی یافته و به دستگاه قضائی تبدیل شده است و بویژه برای تأمین ضمانت اجرای تصمیمات داوران از قدرت دولت استفاده شده است. بنابراین حل و فصل قضائی به صورت سازمان یافته، یعنی آنچه امروزه تشکیلات دادگستری می‌نامیم، شکل تحول یافته و متکامل همان دواوری است. - م.

گات، مسئله حل و فصل اختلافات همواره مطلب مهمی بوده است که در موافقتنامه اولیه گات ماده ۲۲ و ۲۳ راجع به آن است و در ۱۹۵۵ اصلاح شده و از آن پس تا بحال نیز در سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۶۶، ۱۹۷۹، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ موافقت‌نامه‌های اصلاحی در مورد مقررات و آیین حل و فصل اختلافات در گات منعقد شده است.

لازم به تذکر است که ماده ۲۲ و ۲۳ موافقت‌نامه گات ۱۹۴۷ کوتاه و مجمل است و نمی‌تواند نظام حل و فصل کامل و مستوفائی را پایه‌ریزی نماید.

البته در مذاکرات گات در دورکنندی (۶۷-۱۹۶۴) و نیز دور توکیو (۷۹-۱۹۷۳) آئین حل و فصل اختلافات مورد توجه فراوانی قرار گرفت^(۵) و در دور اروگوئه که هشتمین دور مذاکرات چندجانبه تحت گات بوده، نیز مسئله حل و فصل اختلافات یکی از حوزه‌های مذاکره و اقدامات درون گات بوده است (که نتیجه آن اینک به صورت "تفاهم نامه حل و فصل اختلافات" تنظیم شده است).

۳- حل و فصل اختلافات تحت گات

مقررات اصلی ناظر به حل و فصل اختلاف بین اعضای گات همانا مواد ۲۲ و ۲۳ گات است که به موجب آن استفاده و مراجعه به ابزارهای سیاسی و حقوقی حل و فصل اختلافات، به صورت متناوب یا جایگزین، پیش‌بینی و اجازه داده شده است.^(۶)

ماده ۲۲ گات ۱۹۴۷ مقرر کرده کشورهای عضو باید درباره هر موضوعی که مؤثر بر اجرای گات باشد، با یکدیگر مشورت (Consultation) و تبادل نظر کنند، ولو مشخصاً مربوط به نقض مقررات

۵- مهم‌ترین موافقتنامه مربوط به حل و فصل اختلافات در مذاکرات دور توکیو ۱۹۷۹ منعقد شده که موسوم به تفاهم‌نامه در مورد رویه حل و فصل اختلاف می‌باشد. - م.

۶- ماده ۲۲ گات ۱۹۴۷ می‌گوید: هر موضوع که بر اجرای گات اثر داشته باشد و مربوط به آن باشد می‌تواند بین اعضا مورد بحث و مشورت قرار گیرد. ماده ۲۳ گات ۱۹۴۷ می‌گوید در صورتیکه حقوق یکی از کشورهای عضو لطمه دیده یا نقض شده باشد، برای جبران آن اعضاء مذاکره و تبادل نظر خواهند نمود. بنابراین مذاکره موضوع ماده ۲۲، فارغ از این است که منافع اعضا گات در اثر اقدام یکی از اعضاء مورد لطمه و خدشه واقع شده باشد یا نه، و ناظر به مطلق هرگونه تبادل نظر و مشورت در موضوعات مختلف گات بین اعضاء است. اما ماده ۲۳ ناظر به موردی است که منافع یکی از کشورهای عضو گات به علت اقدامات و عملکرد عضو دیگر مورد نقض قرار گرفته و لطمه دیده باشد و نوعی اختلاف در اجرای موافقتنامه حادث شده باشد. همانطور که در متن توضیح داده شده، به اعتبار مفاد این دو ماده اختلافات یا شکایات بین کشورهای عضو گات به دو گروه تقسیم شده: شکایت غیرنقض (ماده ۲۲) و شکایت نقض (ماده ۲۳) - م.

گات - نزاع و اختلاف حقوقی - نباشد. منتهی ماده مذکور هیچ‌گونه تکنیک رسمی یا آئین شکل یافته‌ای برای حل و فصل اختلافات بدست نمی‌دهد، و می‌توان مستقیماً از مرحله اول یعنی "مشورت" موضوع ماده ۲۲ مذکور، به مرحله تشکیل "هیئت" (پانل Panel) مراجعه کرد، به شرط آنکه چنین بنظر رسد که اعمال ماده ۲۳ (بند ۲) یعنی مرحله مشورت بعنوان مرحله مقدماتی، احیاناً مقصدی را بر نمی‌آورد و منجر به نتیجه نمی‌شود.

ماده ۲۳ گات، در مقام مقایسه حاوی نوعی مکانیسم حل و فصل است. بند ۱ این ماده هم‌ناظر به "شکایت نقض" (Violation Complaint) است و هم "شکایت غیرنقضی" (non-violation Complaint). منظور از "شکایت نقض" آن است که کشور شاکی بتواند به نقض و تخلف کشور دیگر از یک تعهد مشخص تحت گات اشاره و استناد نماید و مقصود از "شکایت غیرنقض" آن است که گرچه مورد خاص و مشخصی از نقض رخ نداده، اما ادعا می‌شود که اقدامات کشور مشتکی عنه یا خاطی، شاکی را از بعضی امتیازات و منافع که مقرر بوده تحت ترتیبات گات عائد او شود، محروم کرده است. البته اقدامات مورد شکایت ممکن است به صورت بروز یک موقعیت یا "اوضاع و احوال" خاص باشد که کشور مشتکی عنه ایجاد کرده و نه لزوماً ارتکاب یک فعل مثبت و ایجابی توسط آن کشور در نقض مقررات گات. به عنوان نمونه می‌توان به قضیه سال ۱۹۸۵ اشاره کرد که آمریکا علیه جامعه اروپائی شکایت نمود که "اوضاع و احوال" ناشی از کمک‌های تولیدی جامعه مذکور در مورد پاره‌ای از محصولات در آن سالها، با ترتیبات مربوط به کاهش تعرفه محصولات وارداتی از همان نوع که در آن ایام مورد توافق طرفین قرار گرفته بود، هماهنگ نبوده است. آمریکا در این شکایت موفق نیز شد.

بهرحال، در عمل حدود ۹۵٪ شکایات از نوع "شکایت نقض" است و فقط ۵٪ آنها شکایت "غیرنقض" می‌باشد. طبق مفاد ماده ۲۳ گات، مفروض است که هرگونه نقض ترتیبات گات توسط هریک از دول عضو خواه ناخواه متضمن نفی سود و لطمه به منافع است که سایر اعضا در چارچوب گات دارند (اماره ضرر). به عبارت دیگر، برای اعمال ماده ۲۳ "ورود ضرر خاص" به مفهومی که در لسان حقوقدانان مصطلح است، برای تحقق نقض و اثبات آن شرط نیست. این فرض یا اماره موجه و

خالی از ایراد است، زیرا نقض ترتیبات گات توسط کشور عضو چه بسا منجر شود به افزایش هزینه معاملات برای دیگر اعضا و یا باعث بی‌ثباتی‌هایی بشود که بر برنامه‌های سرمایه‌گذاری آنها آثار سوء خواهد داشت ولو اینکه نتوان تاثیر آن را بر حجم معاملات جاری بطور مشخص نشان داد و ثابت نمود. بنابراین، در شکایات از نوع "شکایت نقض" برخلاف قاعده که بار دلیل بر دوش مدعی است، بار دلیل بر عهده کشور خاطی یعنی مشتکی عنه است که این فرض یا اماره را ابطال و لغو کند. بهر حال، باید توجه داشت که اماره تحت ماده ۲۳ گات در مورد شکایات "غیر نقض" جاری نمی‌شود، بلکه خاص مواردی است که نقض یک تعهد خاص در موافقتنامه گات و ترتیبات تعرفه‌ای مطرح باشد.

در راستای تایید و تثبیت هدف اصلی گات که عبارت است از تشویق رقابت تجاری بدون تبعیض و علنی، مقررات گات به کشورهای ثالث اجازه داده که حتی اگر از توافق‌های دوجانبه خاص بین اعضا در مورد محدودیت حجم صادرات، به طور مستقیم آسیب نمی‌بینند می‌توانند لغو این گونه اقدامات و ترتیبات تجاری را که با تعهدات چندجانبه کشورها تحت گات هماهنگ نیست، درخواست نمایند.

بهر حال، اولین هدف ترتیبات حل و فصل گات عبارت است از اطمینان در لغو و بی‌اثر شدن هرگونه اقدام تخلف‌آمیز اعضا از گات. به سخن دیگر، مقصد نهائی در نظام حل و فصل اختلافات گات "اجرای عین تعهد" است (Specific performance) که کشورهای عضو گات به عهده گرفته‌اند (و نه مثلاً جبران خسارات به صورت پولی). در راستای همین فکر است که ماده ۱۰ (بند ۳) موافقتنامه گات اعضا را ملزم می‌سازد برای بررسی و اصلاح فوری هرگونه اقدامات اداری مربوط به امور گمرکی، مرجع رسیدگی و تشریفات مشخصی را در کشور خود برپا و اعمال نمایند.

ترتیبات حل و فصل اختلافات و آیین آن در گات معمولاً سه مرحله دارد، مرحله اول، عضو شاکی یا مدعی نقطه نظرها و شکایت خود را به صورت مکتوب برای طرف مقابل یا سایر اعضای ذیربط ارسال و ارائه می‌کند (صحبت از دادخواست و ادله و مدارک نیست) و بعد مشورت‌ها و رایزنی‌های دوجانبه رسمی انجام می‌پذیرد (ماده ۲۲ (۱) و ۲۳ (۱) موافقتنامه گات) و یا اینکه مشورت‌ها و گفتگوهای چندجانبه در خصوص موضوع مورد شکایت صورت می‌گیرد که البته این حالت دوم

گهگاه و اتفاقی است. در همین مرحله است که طرق دیپلماتیک حل و فصل اختلافات که در طلا به گفتار به آن اشاره کردیم و به همان ترتیب که بر شمردیم، مورد استفاده قرار می‌گیرد هر چند در عمل روش مساعی جمیله و سازش به ندرت مورد مراجعده واقع می‌شوند که این امر بیان‌کننده ترجیح اعضاء است که موضوع اختلاف را به طریق‌های الزام‌آور و مطابق با اصول حقوقی حل کنند.

اما هرگاه این طرق دیپلماتیک به توفیق نیانجامد، مرحله دوم عبارت است از ارجاع موضوع به "شورای گات" (Gatt Council) که در باره موضوع اختلاف تحقیق و بررسی می‌کند و گزارشی همراه با توصیه‌هایی برای حل موضوع تهیه می‌کند. شورای گات، هیئتی (پانل) متشکل از سه یا پنج عضو تشکیل می‌دهد تا مسئله مورد شکایت را به دقت بررسی نمایند و گزارشی از نظر مقررات حقوقی، نیز از حیث احراز و تسجیل واقعیات مربوط به اختلاف تهیه نمایند. اعضاء این هیئت بایستی بیطرف و مستقل باشند. لوایح کتبی در این مرحله مجاز است، اما رسیدگی غیر علنی است تا محرمانه بودن روند کار محفوظ بماند. باری، گزارش هیئت رسیدگی (پانل) یکسره مشورتی است و الزام‌آور نیست، مگر اینکه توسط شورای گات پذیرفته شود.

و اما مرحله سوم در ترتیبات حل و فصل گات عبارت است از بررسی و مذاقه در گزارش "هیئت رسیدگی" منتخب شورای گات که بایستی به فوریت انجام پذیرد و ظرف مدت معقولی تصمیم مناسب در خصوص موضوع اتخاذ شود. هر چند طبق رویه‌ای که در شورا بوجود آمده، برای تصمیم‌گیری نسبت به گزارش هیئت‌ها اتفاق آراء ملاک است - ولو مقررات گات اکثریت را کافی می‌داند - با اینهمه در عمل معمولاً گزارشها بدون جرح و تعدیل یا بحث‌های طولانی پذیرفته می‌شود. البته نمونه‌هایی از عقیم ماندن و عدم اجرای مفاد گزارشها هم وجود دارد. مثلاً گاه تصمیم متخذه در گزارش نسبت به طرفی که بازنده بوده یا طرف خاطی اساساً تاثیری نداشته است، گاه خود طرف شاکی آن را بلا اجرا گذاشته است، و گاه گذشت زمان اجرای مفاد گزارش را به دلایل فنی یا سیاسی غیر عملی ساخته است.

با تایید گزارش در شورا یک تعهد حقوقی بوجود می‌آید برای کشور خاطی که اقدامات خود را که

مخالف ترتیبات گات بوده است، لغو کند. یکی از راه‌های پیگیری این تعهد در مواردی که کشور خاطی از اجرای تصمیم شورا در مورد لغو اقدامات نامناسب خود سرباز می‌زند، عبارت است از درخواست مجوز تعلیق تعهدات یا امتیازات تعرفه‌ای که کشورهای عضو به نفع کشور خاطی قبول یا وضع کرده‌اند. البته چنین تقاضایی بسیار به ندرت بعمل آمده، و حتی وقتی مجوز تعلیق داده شد. اغلب به اجرا در نیامده است. شاید به خاطر این واقعیت مسلم که محدودیت‌های تجاری تلافی‌آمیز قبل از همه برای کشوری که آنها را برقرار می‌کند، زیان‌آور است. بهر حال در عمل تاکنون یک مورد بوده که این درخواست اجابت شده و با صدور مجوز تعلیق تعهدات و امتیازات ترجیحی، اجازه تلافی داده شده در حالیکه حداقل در پنج مورد دیگر درخواست مجوز تعلیق رد شده است.

گفتیم اقدامات تلافی‌جویانه یعنی تعلیق ترتیبات تعرفه‌ای و تخفیف‌ها را همه کشورهای عضو باید اجازه دهند، یعنی تلافی یکجانبه مجاز نیست و آنهم هنگامی اجازه داده می‌شود که اوضاع واحوال چنان جدی و مهم باشد که آن را موجه سازد.

شایان ذکر است که ماده ۲۱ گات، اجازه محدودی برای کاهش حجم تعهدات و ترتیبات تحت گات (تعرفه‌های ترجیحی) براساس ملاحظات امنیتی به اعضاء می‌دهد. تا جائیکه اطلاع حاصل است، این تنها موردی است که گات اجازه کاهش تعهدات بطور یکطرفه را داده است. مقررات ماده ۲۱ واجد اهمیت است زیرا ویژگی جدی و قاطع بودن تعهدات کشورهای تحت گات را مورد تأکید قرار می‌دهد زیرا عضو گات اصولاً اجازه ندارد به صورت گزینشی عمل کند و پاره‌ای تعهدات را برگزیند و بپذیرد و بعضی را کاهش یا تغییر دهد (اصل عدم تبعیض در گات)، مگر تحت شرایط استثنایی که ملاحظات امنیتی آن کشور مطرح باشد.

معدنک علی‌رغم مفهوم مضیق ماده ۲۱ گات، وقتی اختلافی پیش می‌آید چندان نامرسوم نیست که عضوی این پرسش را مطرح کند که آیا اساساً حادث از نوع اختلافات مربوط به گات هست یا نه؛ به عبارت دیگر آیا در حوزه مقررات گات قرار می‌گیرد یا از جمله استثنائات امنیتی است که طبق ماده

۲۱ گات مجاز و معاف است.^(۷)

۴- موضوعات مطروحه در مذاکرات دوراروگوئه

از جمله مسائلی که در مذاکرات دوراروگوئه مطرح بوده، مسئله نظام حلّ و فصل اختلافات در گات است که سرانجام به تنظیم یک "تفاهم نامه" برای شفاف کردن این نظام و تکمیل آن متناسب با نیازها و بویژه باتوجه به مقتضیات تاسیس سازمان تجارت جهانی منتهی گردید^(۸) مسائلی که در طول سالها مذاکرات اروگوئه (۱۲ سال) درخصوص مکانیسم حلّ اختلافات تحت گات مورد بحث و بررسی بوده، متفاوت است. ذیلاً اهم این مسائل را با پاسخی که نتایج حاصل از مذاکرات اوروگوئه برای آنها فراهم نموده، مرور می‌کنیم:

۱- آیا مراجعه به داوری مرضی‌الطرفین یا ایجاد یک سازمان داوری برای حلّ اختلاف در گات

اساساً مطلوب و مناسب است؟

● این مطلب به طور جدی مورد مطالعه و پیگیری قرار نگرفته است.^(۹)

۲- آیا بهتر است طیف وسیع‌تری از انواع مکانیسم‌های مختلف حلّ و فصل اختلافات بین اعضای

گات پیش‌بینی شود تا نظرات مختلفی که بین اعضاء در مورد مکانیسم‌های حقوقی در برابر طرق

۷- ماده ۲۱ می‌گوید: "هیچ چیز در این موافقتنامه طوری تفسیر نخواهد شد که: (الف) کشور عضو متعهد باشد اطلاعاتی را ارائه کند که افشای آن مغایر منافع اساسی امنیتی او است، یا (ب) کشور عضو را از اتخاذ اقداماتی که برای حراست از منافع امنیتی خود ضروری می‌داند، ممنوع کند..." مانند تجارت اسلحه و مهمات جنگی یا کالاهایی که مستقیم و غیرمستقیم برای تدارکات نظامی ضروری بدانند، یا معاملات زمان جنگ، یا اقداماتی که برای انجام تعهدات خود در سازمان ملل لازم می‌داند.

۸- بررسی مسئله حلّ و فصل اختلافات بین کشورهای عضو گات در مذاکرات اوروگوئه حول سؤالاتی متمرکز بود که بدنبال اجرای چندساله گات بدست آمده بود. نظام حلّ و فصل که در مواد ۲۲ و ۲۳ موافقتنامه گات ۱۹۴۷ آمده به علت ابهام، اختصار و بویژه فقدان راه‌حل‌های موثر همواره مورد انتقاد بوده است. گرچه در مذاکرات دورکندی (۱۹۷۹) پاره‌ای اشکالات مربوط به مواد مذکور برطرف شد، اما هنوز با مقتضیات تجارت جهانی و پیچیدگیهای آن متناسب نبود و راه حلّ موثر و ملموسی برای حلّ اختلاف وجود نداشت. سؤالاتی که در دوراروگوئه درخصوص نظام حلّ و فصل اختلاف مطرح بوده و در متن مقاله مورد اشاره قرار گرفته، بخوبی نشان دهنده نگرانی‌ها و نواقص آن نظام تا قبل از دوراروگوئه می‌باشد. -م.

۹- آنچه در این قسمت با علامت ● می‌آید، دست‌آورد و نتیجه حاصل از مذاکرات دوراروگوئه در مورد سؤال مطروحه می‌باشد و گاه در مورد چند سؤال متوالی یک پاسخ آن و یا در مورد بعضی سؤالات نیز پاسخی ذکر نشده است -م.

دیپلماتیک حلّ و فصل اختلاف وجود دارد، بهتر تامین می‌شود؟

۳- آیا ضرورتی دارد که اقدامات حفاظتی (safeguard) چه از حیث شکلی و آئین کار و چه در

سطح سازمانی اتخاذ شود با این هدف که توافق‌های دو جانبه بین اعضاء در مورد حلّ اختلاف، نظام

چند جانبه بودن گات و حقوق اشخاص ثالث را به خطر نیاندازد و آن را کم‌رنگ نسازد؟

۴- آیا لازم است برای حلّ اختلاف با کشورهای کمتر توسعه یافته مکانیسم‌های اضافی و

مناسب‌تری در نظر گرفته شود؟

● این مطلب مورد قبول قرار گرفته است.

۵- آیا لازم است یک پیش‌شرط اضافی برای مشورت بمنظور حلّ اختلاف پیش‌بینی شود؟ یا

مهلت‌های زمانی مذکور در ماده ۲۳ کوتاه‌تر شود؟

۶- آیا باید استفاده از مکانیسم مساعی جمیله، سازش و میانجیگری اجباری شود، خصوصاً

باتوجه به استفاده کم و محدودی که از این روش‌ها برای حلّ اختلاف می‌شود؟

● ظاهراً این موضوع مورد قبول واقع نشده است.

۷- آیا باید نقش شورا در حلّ اختلاف توسعه یابد؟ چگونه؟ آیا بهتر است برای شورا کمیته‌های

فرعی در نظر گرفته شود، یا باید در مواردی که شورا در مقام رکن حلّ اختلاف عمل می‌کند اختیارات

بیشتری به او اعطا شود؟ آیا لازم است تصریح شود که در صورتیکه شورا گزارش هیئت‌ها را تصویب

کند، این تصویب و تأیید واجد آثار حقوقی نیز خواهد بود؟

● نقش چندگانه‌ای که برای شورا در نظر گرفته شده، بخاطر همین ضرورت‌ها بوده است.

۸- آیا لازم است حق درخواست تشکیل هیئت از جانب هر عضو گات (در موارد بروز اختلاف)

تصریح و تأیید شود؟ یا بهتر است شورا حق داشته باشد درخواست تشکیل هیئت را در این دو مورد

رد کند، اول اتفاق آراء حاصل نشود که اختلاف مطروح بین کشورهای عضو از نوع "اختلاف گات"

هست، و دوم یکی از کشورهای عضو عقیده داشته باشد که تشکیل هیئت هنوز زود است، یا اینکه

اساساً بهتر است در چنین حالتی به سایر طرق حلّ اختلاف مراجعه شود؟

● وضع قبلی ابقاء شده و تغییر نیافته است.

۹- آیا لازم است شرط صریحی وضع شود مبنی بر اینکه شکایت موضوع ماده ۲۳ (بند ۲) - یعنی شکایت از نوع غیر نتمص - باید منضم باشد به شرح مختصری از واقعیات مربوط و ارتباط آن با مقررات گات؟

● ملحوظ نشده است.

۱۰- آیا باید انتخاب مکانیسم مناسب برای حل اختلاف را به خود شاکی واگذار کرد؟

● ملحوظ نشده است.

۱۱- آیا باید به کشور شاکی اجازه داده شود که "دستور کار" هیئت رسیدگی (پانل) را خودش تهیه و پیشنهاد کند، یا باید به عهده خود هیئت باشد که "دستور کار" را خود او مطابق استاندارد تنظیم نماید، مگر اینکه طرفین در این مورد طور دیگری توافق کرده باشند؟

● ملحوظ نشده است.

۱۲- آیا مناسب است فهرستی غیر رسمی از اسامی اشخاص و مقامات دولتی برای عضویت در هیئت‌های رسیدگی فراهم شود؟ این نظر از ابتدا وجود داشته ولی تا بحال عملی نشده آیا اکنون لازم است به اجرا در آید؟ آیا لازم است به مدیر اجرایی کل گات اختیار داده شود که در صورت عدم توافق بین طرفین اختلاف رأساً نسبت به تشکیل هیئت بصورت غیابی اقدام نماید؟

● این ضرورت تامین شده است.

۱۳- چگونه می‌توان روند رسیدگی در هیئت‌ها را حرفه‌ای تر و تخصصی‌تر کرد بنحوی که کیفیت کار و گزارش‌هایی که هیئت‌ها پس از رسیدگی ارائه می‌کنند، ارتقاء یابد؟ این مطلب بویژه از این حیث دشوار است که کسانی که به عضویت هیئت‌های رسیدگی در می‌آیند اغلب با تحولات گات در طول ۴۰ سال آشنائی کافی ندارند.

● استفاده بیشتر از متخصصین لازم دانسته شده است.

۱۴- آیا لازم است روند رسیدگی هیئت‌ها با استفاده و جذب روش‌های استاندارد، رسمی‌تر شود

و مواعد مربوط مشخص‌تر - و احیاناً کوتاه‌تر - گردد؟

● مواعد کوتاه‌تر شده است.

۱۵- آیا ضرورتی هست که برای صدور تصمیمات حمایتی یا اقدامات تلافی‌جویانه مقررات و

قواعد بهتری وضع شود؟

● مقررات مربوط به اقدامات تلافی‌جویانه روشن‌تر و صریح‌تر شده است.

۱۶- در مورد ترتیبات دوجانبه حل اختلاف در رابطه با سیستم‌گات که اصولاً چندجانبه است،

چه باید کرد؟

۱۷- چگونه می‌توان محرمانه بودن گزارش‌هایی را که هیئت‌های رسیدگی صادر می‌کنند تا قبل

از انتشار آنها بین کلیه کشورهای عضو تامین نمود؟

۱۸- گزارش هیئت‌ها چه جایگاهی باید داشته باشند؟ آیا باید معمولاً در شورا تصویب شوند یا

لازم است بایک تصمیم اثباتی اضافی از ناحیه شورای گات همراه شوند؟ در مورد شرط اتفاق آراء در

تصمیم‌گیری‌های مربوط به حل اختلاف یا اتفاق آراء منهای رای کشورهای ذینفع (طرف اختلاف)

چه باید کرد؟

● شرط اتفاق آراء منفی پیش‌بینی گردیده است. (در صورتی که رأی مخالف وجود نداشته باشد،

اتفاق آراء حاصل است).

۱۹- آیا گزارش هیئت‌ها در مقام حل اختلاف از حیث تفسیر مفاد موافقتنامه‌گات، از نظر حقوقی

الزام‌آور و رویه محسوب می‌شوند؟ ارزش و اثر این گزارش‌ها درباره موارد بعدی بویژه از حیث

واقعیات ذیربط چیست؟

● رویه موجود ابقاء شده و تغییر نکرده است.

۲۰- آیا لازم است کشورهایی که نسبت به گزارش هیئت‌های رسیدگی اعتراض دارند، ادله خود را

نیز بیان کنند؟

● ملحوظ نشده است.

۵- سازمان تجارت جهانی

تشکیل سازمان تجارت جهانی در چارچوب گات، مهم‌ترین دست‌آورد مذاکرات دوراوروگوئه است. مذاکرات دوراوروگوئه بسیار طولانی بوده است (قریب ۱۲ سال) و مرتب‌رو به پیچیدگی بیشتر حرکت می‌کرد و در بسیاری از مواقع در آستانه شکست قرار می‌گرفت. اما در آخرین مراحل حل بود که معلوم شد این مذاکرات موجب تحولی عمیق در نظام حقوقی حاکم بر تجارت جهانی خواهد شد. محصول مذاکرات دوراوروگوئه گات مشتمل است بر ۲۲ سند مهم و اساسی، (۲۱) "موافقتنامه" و یک "تفاهم‌نامه" به اضافه تعدادی "تصمیمات وزیران" و "اعلامیه‌ها". یک فقره تفاهم‌نامه‌ای که در مذاکرات اوروگوئه تهیه و به امضاء رسید راجع است به "مقررات و تشریفات حل و فصل اختلاف" (۱۰) موافقتنامه مربوط به تأسیس سازمان تجارت جهانی که در واقع سند مؤسس و پایه این دور از مذاکرات است و بقیه موافقتنامه‌ها وابسته به آن است، ساختار سازمان تجارت جهانی را مشخص کرده است. عالی‌ترین مقام این سازمان "کنفرانس وزیران" (Ministerial Conference) است که اختیارات وسیعی دارد و سیاستگذاری‌های سازمان به عهده او است. البته این کنفرانس در اجلاس دائمی نیست بلکه ممکن است تا دو سال بین اجلاس‌های آن فاصله باشد که در این اثنا اختیارات آن به "شورای عمومی" (General Council) سازمان تجارت جهانی تفویض می‌شود. علاوه بر این، شوراها فرعی دیگری وجود دارد که هر کدام، عملکرد و امور یکی از موافقتنامه‌های گوناگون را اداره و تنظیم می‌کند - مانند شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و یا شورای جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی.

مسئولیت اداره نظام حل و فصل اختلافات با سازمان تجارت جهانی است که "شورای عمومی سازمان از این حیث بعنوان "رکن حل اختلاف" (Dispute Settlement Body) عمل می‌کند.

ویژگی منحصر به فرد این سیستم آن است که مقررات مربوط به حلّ و فصل اختلافات همگی در یک "تفاهم‌نامه" - و نه موافقتنامه - آمده است. در نگاه اول ممکن است تصور شود شاید هدف آن بوده که مفاد این تفاهم‌نامه الزام‌آور نباشد، اما این تصور درست نیست، زیرا موافقتنامه اصلی مربوط به تأسیس سازمان تجارت جهانی که همه اعضا آن را امضا کرده‌اند، به ۲۲ سند دیگر ارجاع و عطف می‌کند که پیوست‌های آن است و یکی از آنها همین تفاهم‌نامه حلّ و فصل اختلافات است و لذا برخلاف نام آن که تفاهم‌نامه است، مفاد آن الزام‌آور و لازم‌الاتباع است.

۶- نظام حلّ و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

ترتیبات حلّ و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی، معطوف به کلیه اختلافاتی است که ناشی از تعدادی موافقتنامه‌های مفصل منعقد در دورا و رگونه باشد، یعنی چهار موافقتنامه زیر:

- موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴

- موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت

- موافقتنامه تجارت خدمات

- موافقتنامه جنبه‌های تجاری مالکیت معنوی

الف - هدف ترتیبات حلّ و فصل اختلاف

شایسته است این نکته برای حقوقدانان روشن شود که نظام حلّ و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی از نوع روند حلّ و فصل توافقی دعاوی از طریق داوری که اغلب با آن آشنا هستند، نیست. بلکه در مقام مقایسه نحوه حلّ و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی به میانجیگری نزدیکتر و شبیه‌تر است تا داوری. زیرا مقصد غائی عبارت است از دست یافتن به توافقی کارساز و مثبت تا اینکه رأی در محکومیت یکی از طرفین اختلاف صادر شود.

ب - آئین حلّ و فصل اختلاف

در نظام حلّ و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی سه مرجع یا رکن وجود دارد که به حلّ

اختلاف می پردازند :

Panel	- هیئت رسیدگی
Appellate Body	- رکن استیناف
General Council	- شورای عمومی

نخستین مرحله در حل اختلاف تشکیل هیئت رسیدگی (پانل) متشکل از کسانی است که مورد قبول و توافق طرفین اختلاف باشند. اعضای هیئت رسیدگی از بین اشخاصی انتخاب می شوند که در تجارت بین الملل دارای تجارب کافی از حیث تئوری و عمل باشند. یکی از انتقاداتی که بر سیستم قبلی حل اختلاف در گات می شد آن بود که تمایل شدیدی وجود داشت که از مقامات دولتی که بیطرفی شان اغلب محل تردید است، استفاده شود. منتهی از سال ۱۹۸۴ به بعد و بدنبال اصلاحی که در سیستم حل و فصل اختلاف صورت گرفت و بیشتر متخصصین مستقل و غیر دولتی برای عضویت در هیئت ها انتخاب می شدند، این انتقادات هم کمی رنگ باخته است.

باری، در نظام حل و فصل اختلاف، سازمان تجارت جهانی، هنوز حل و فصل دوستانه و مؤثر نخستین هدف و اولویت است. البته در مقایسه با مقررات پیشین حل اختلاف، تفاهم نامه حل و فصل اختلاف که در مذاکرات دور اورگوئه تصویب شده، تشریفات سخت تری را از حیث مواعد زمانی پیش بینی کرده است و نقش هیئت های حل اختلاف نیز توسعه یافته، زیرا مطابق قاعده ای که در تفاهم نامه مذکور آمده، گزارش هیئت در مورد نحوه حل اختلاف اصولاً در شورای عمومی مورد تصویب قرار می گیرد، مگر اینکه به اتفاق آراء رد شود.

در نظام تازه حل و فصل سازمان تجارت جهانی رکن استیناف، پدیده ای جدید است. کشوری که براساس گزارش هیئت رسیدگی خاطی شناخته شده، می تواند به مرجع استیناف رجوع کند. رکن استیناف هفت عضو دارد که سه تای آن ثابت است و در همه رسیدگی ها حضور و دخالت خواهد داشت. اینکه رکن استیناف تا کجا و در چه ابعادی یافته های هیئت رسیدگی در مورد واقعیات و حقایق را بازبینی و تجدیدنظر خواهد کرد، موکول به نظر خود او و حسب مورد خواهد بود.

گزارش هیئت رسیدگی اولیه همراه با هر آنچه در مرحله استیناف بدست آمده همگی به شورای عمومی تسلیم می‌شود که نسبت به آن شور و مذاقه خواهد کرد و جز در صورتی که به اتفاق گزارش هیئت را رد کند، آن را تأیید و تصویب می‌کند. شورای عمومی یک مرجع تصمیم‌گیری رسمی و مستقل است و توصیه‌های هیئت‌های نخستین هیچ‌گونه اثری بر نظر و تصمیم او ندارد مگر اینکه خود او آنها را بپذیرد و قبول نماید. همینکه گزارش هیئت رسیدگی مورد قبول و تصویب شورای عمومی قرار گرفت همه طرف‌ها از نظر حقوقی موظف خواهند بود که آن را محترم شمرند و یافته‌های آن را اجرا کنند. قصور و تخلف از نظر شورا می‌تواند به اقدامات تلافی‌آمیز منتهی شود، البته اگر شورا آن را اجازه دهد. علی‌الاصول، اقدام تلافی‌جویانه در حوزه همان موافقتنامه یا ترتیبات تعرفه‌ای خواهد بود که اقدامات تخلف‌آمیز اولیه در رابطه با آن انجام یافته است. اما در مقررات سازمان تجارت جهانی صراحتاً پیش‌بینی نشده که اگر با توجه به اوضاع و احوال خاص قضیه، اقدامات تلافی‌جویانه در رابطه با ترتیبات تعرفه‌ای مربوط نابجا و نامتناسب باشد، آیا اقدامات متقابل تلافی‌آمیز هم مجاز است یا خیر.

ج - کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته

طبق رویه طولانی که از ابتدا در گات وجود داشته، برای کشورهای در حال توسعه و کم توسعه یافته انواع ترتیبات ترجیحی و رزروهای خاص وجود داشته که برای آنها امکانات بیشتری ایجاد می‌کند. در مورد حل اختلاف نیز برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده که می‌توانند برای رسیدگی به موضوعات و اختلافاتی که با کشورهای توسعه یافته و پیشرفته دارند از ترتیبات آیین حل و فصل سریع‌تر و مطلوب‌تری استفاده نمایند. این ترتیبات عمدتاً مبتنی بر این ملاحظه است که کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند برای مدتی طولانی پیامدهای اقتصادی ناشی از تخلف کشورهای پیشرفته از مقررات سازمان تجارت جهانی را تحمل کنند و منتظر رسیدگی‌های طولانی و پیچیده باشند و لذا باید به شکایات آنها سریع‌تر رسیدگی شود. در مورد کشورهای کم توسعه یافته امتیازات و ترتیبات ترجیحی وجود دارد و از کلیه کشورهای عضو خواسته شده در طرح اختلاف

علیه کشورهای مذکور صبوری نشان دهند و همواره به این نکته توجه نمایند که آیا طرح اختلاف و توسل به مکانیسم‌های حل و فصل علیه کشورهای کمتر توسعه‌یافته ابزار، مؤثری در جهت ترغیب و تشویق اهداف اصلی سازمان تجارت جهانی هست یا نه؟ زیرا خود مکانیسم حل اختلاف اساساً در این جهت طراحی شده که هدف اصلی گات یعنی رقابت آزاد و سالم، تجارت آزاد و تعرفه‌های ترجیحی بهتر بدست آید و تحقق یابد و استفاده از آن نباید به نقض غرض منتهی شود.

۷- موضع ایران

موضوعی که در سمینار جنبه‌های حقوقی سازمان تجارت جهانی به عهده اینجانب گذاشته شده مسئله حل و فصل اختلاف در سازمان مذکور است که مطالبی را در این مورد عرضه داشتیم. اما هدف اصلی سمینار مطلب مهم‌تری است. پرسش اصلی این سمینار آن است که آیا الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی به نفع ایران هست و امتیازی در بردارد یا نه؟ پاسخ به این سؤال، البته مستلزم ملاحظات سیاسی و فرهنگی است و از این منظر، کسی مانند اینجانب که نسبت به ایران بیرونی بشمار می‌آید صلاحیت اظهار نظر ندارد. بنابراین آنچه ذیلاً گفته می‌آید منحصر به موضوعاتی است که بیشتر مربوط به مسئله حل و فصل اختلاف و روند آن در سازمان تجارت جهانی است.

نخست، اشتباه است که گمان بریم روند حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی صرفاً ابزاری است در دست کشورهای بزرگ که نظرگاه و خواست خود را بر کشورهای کوچکتر تحمیل نمایند. کشورهای خاورمیانه، بی‌گمان در باره روش‌های قانونمند کردن تجارت جهانی نگرانی‌ها و علائق خاص خود را دارند، اما بهیچ‌وجه تنها کشورهای کوچکتر نیستند که احیاناً چنین دلواپسی‌های مشروع و موجهی در خصوص شرکای تجاری بزرگ خود دارند. در واقع تعداد کافی از همین کشورهای کوچکتر در مذاکرات دور اوروگوئه حضور و مشارکت داشتند تا مطمئن شوند شیوه‌های مقررات آئین حل و فصل اختلاف تحکم‌آمیز و آمرانه نباشد و حقوق و منافع کشورهای کوچکتر حفظ گردد. اما از سوی دیگر البته باید این را هم پذیرفت که بسیاری از کشورهای عضو

سازمان انتظارات و اهداف خاص خود را در سازمان تجارت جهانی دارند و هیچ تعجیبی ندارد که بعضی از آنها تلاش کنند از این سازمان بعنوان ابزاری برای دست یافتن به امتیازات بیشتر استفاده نمایند.

در این حوزه، جایگاه و اهمیتی که تصمیمات رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی پیدا کرده، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همانطور که گفتیم یکی از مهم‌ترین تغییرات که در مقررات حل و فصل اختلاف رخ داده، آن است که تصمیماتی که در ارکان حل اختلاف سازمان اتخاذ می‌شود معمولاً و غالباً تأیید می‌شوند زیرا نقض و لغو آنها در "شورای عمومی" سازمان هنگامی که در مقام رکن حل اختلاف عمل می‌کند محتاج اتفاق آراء و اجماع است (اتفاق آراء منفی). شک نیست که این تحول به طور قابل توجهی نقش و اهمیت رکن حل اختلاف را ارتقاء می‌بخشد. در واقع هدف از تحول و اصلاح مقررات حل اختلاف آن بوده که قواعد اصلی تجارت آزاد که روح سازمان تجارت جهانی و یک امر دسته جمعی بین همه کشورهای عضو بشمار می‌رود، همچنان جدی تلقی شود، ولو اینکه ممکن است اصلاح مقررات مذکور در برابر اولویاتی که رکن حل اختلاف برای خود قائل است یعنی "سازش‌دهنده"، در عمل خنثی و بی‌اثر شود. با اینهمه، فرهنگ درونی سازمان تجارت جهانی آشکارا به این سمت می‌رود که آراء و تصمیمات رکن حل اختلاف بهر حال باید از جانب همه کشورها محترم شمرده شود. در این سخن، نکته‌ای نهفته و آن اینکه اصل بر این است که تصمیمات مراجع حل اختلاف همینکه در شورای عمومی مطرح و تأیید شد، باید به سهولت و بطور عادی اجرا شود. البته اجرای تصمیمات رکن حل اختلاف همان مشکل همیشگی و شناخته شده حقوق بین‌الملل عمومی را پیش می‌آورد، یعنی فقدان ضمانت اجرای مؤثر و واقعی برای اجرای تصمیمات مراجع بین‌المللی. و بالاخره اینکه، این احتمال بهر حال وجود دارد که یکی از کشورهای عضو در سازمان تجارت جهانی، علیرغم اینکه مقررات جدید در مقایسه با مقررات سابق طیف وسیع‌تری از اقدامات تلافی‌جویانه را علیه کشور خاطی اجازه می‌دهد، باز هم از اجرای تصمیم رکن حل اختلاف سرباز زند. البته در چنین صورتی، کشور خاطی خود را در وضع دشواری قرار می‌دهد زیرا بین

بی‌توجهی مستمر او به تصمیمات سازمان (رکن حل اختلاف) و با اصرار او برای بقای عضویت در سازمان آشکار مابینت و ناسازگاری وجود دارد. و همین برخورد تناقض‌آمیز مشکلات بیشتری برای چنین کشوری فراهم می‌کند زیرا هم حکایت از ناپایداری عزم سیاسی او در باقی ماندن به عضویت سازمان می‌کند و هم وفاداری و صداقت او در رفتار بین‌المللی‌اش را به محاق تردید می‌افکند، تا یک امتناع ساده از اجرای تصمیم رکن حل اختلاف.

هدف از طرح ملاحظات و نکات بالا این است که ما را یاری رساند تا توجه خود را بیشتر حول محوری متمرکز کنیم که نه‌این‌ا برای ایران حیاتی و اساسی است. اصولاً عضویت در سازمان تجارت جهانی، بحق برای کشورهای مناسب است که بخواهند صادقانه از اصول تجارت آزاد و رقابت سالم در صحنه تجارت بین‌المللی حمایت نمایند خصوصاً که در حال حاضر، سازمان مذکور علاوه بر تجارت کالا، تجارت خدمات را نیز پوشش می‌دهد و قلمرو وسیع‌تری یافته است. چنین تمایلی به نوبه خود، به معنای اتخاذ موضعی بازتر در مسئله تجارت کالا و خدمات و نیز در مورد مراد و تجارت با بقیه جهان است. البته چندان معلوم نیست که چنین برخوردی لزوماً برای همه کشورها و در همه زمانها، از نظر اقتصادی و فرهنگی مناسب یا حتی ممکن و عملی باشد. اما در مورد ایران، مسئله اصلی این است که آیا در حال حاضر مایل هست چنین موضع و نظرگاهی را در روابط بین‌المللی‌اش اتخاذ نماید یا خیر؟ از جمله نکات مهم و اساسی در ارزیابی این پرسش برای ایران باید این باشد که آیا در صورت عدم عضویت در گات، بازارهای بزرگ جهانی را به روی محصولات خود بسته می‌یابد یا خیر؟ چرا که از نظر اقتصادی امتیاز بزرگ عضویت در سازمان تجارت جهانی، در افزایش ظرفیت‌های صادراتی کشور (توسعه صادرات) نهفته است.